

Investigating Stair Placement and its Relationship to Residents Life in Historical Dezful Houses Utilizing Canter's Model (Qajar and Pahlavi Periods)*

Zeinab Hayati¹ iD, Ahad Nejadebrahimi^{**2} iD, Maryam Soleymani³ iD

¹ PhD Student of Islamic Architecture, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

² Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran.

³ Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tehran University of Art, Tehran, Iran.

(Received: 17 May 2023; Received in revised form: 11 Jul 2023; Accepted: 21 Sep 2023)

Stairs, serving as vertical communication elements, has historically connected different spatial layers with Iranian houses, particularly evident in the architectural heritage of Dezful historical houses. This research employs Canter's model to evaluate the positioning of the stairs during the Qajar and Pahlavi periods in Dezful considering its significance in the evolution of human habitation. Through qualitative inquiry, this research explores the position of the stairs in the historical houses of Dezful (Qajar and Pahlavi periods) based on the inductive approach and the Grounded Theory method. Primary data collection involved 21 semi-structured interviews with residents, grounded observations and plan analyses of 26 selected houses. In this process, 15 samples of houses that met the selection criteria of the research were identified and necessary documents were collected for the analysis of each of them. The primary criteria for selecting these samples were their prevalence during their respective historical periods and the accessibility of their residents. Subsequently, 11 additional similar houses were visited to gather further information and to review and refine the identified categories. Findings reveal that in the historical houses of Dezful, stairs are strategically positioned within the spatial fabric, influencing "bodily engagement", "activities" and "symbolic meaning". Consequently, stairs, along with other spatial elements, have contributed to creating a unique living experience in Dezful houses. Key aspects associated with stairs in these historical houses include "Sociability," "Spatial Hierarchy," "Symbol and Sign," "Identity," "Memorability," "Spatial Continuity and Connectivity," "Bordering and Territorialization," "Climatic Comfort," "Orientation," "Interspatial Aspect", and "Visual Richness." Overall, it can be concluded that the stairs in Dezful houses have established a continuous and

integrated system that harmonizes human activities with the architectural design by intertwining "body," "activity," and "meaning."

Keywords

Historical Houses of Dezful, Communication Space of Stair, Canter's model, Stairs in Dezful Houses

Citation: Hayati, Zeinab; Nejadebrahimi, Ahad, & Soleymani, Maryam (2023). Investigating Stair Placement and Its Relationship to Residents Life in Historical Dezful Houses Utilizing Canter's Model (Qajar and Pahlavi periods), *Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning*, 28(3), 75-89. (in Persian) DOI: <https://doi.org/10.22059/jfaup.2024.359373.672875>



*This article is extracted from the first author's course of Islamic architecture PhD, entitled: "Cultural history of Iran Islamic Architecture" under the supervision of the second and the third author at the Tabriz Islamic Art University.

**Corresponding Author: Tel: (+98-41) 35539207, E-mail: ahadebrahimi@tabriziau.ac.ir

جایگاه پله در پیوند با زندگی ساکنین خانه‌های تاریخی دزفول بر اساس مدل مکان کانتر (خانه‌های دوره‌های قاجار و پهلوی)*

زینب حیاتی^۱، احد نژاد ابراهیمی^{۲*}، مریم سلیمانی^۳

^۱ دانشجوی دکتری معماری اسلامی، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

^۲ استاد گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

^۳ استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۲۷، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۴/۲۰، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۶/۳۰)

چکیده

پله در خانه‌های ایرانی همچون خانه‌های تاریخی دزفول می‌تواند علاوه بر جنبه ارتباطی آن، تجربه زیستی متفاوتی را برای ساکنین آن رقم زند و در جایگاه مکان ارزیابی گردد. پژوهش حاضر قصد دارد با استفاده از مدل کانتر جایگاه پله را در خانه‌های تاریخی دزفول ارزیابی نماید، با رویکردی کیفی و با اتکا به روش تئوری داده بنیاد انجام شده است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته با ساکنین خانه‌ها، برداشت‌های پلانی و مشاهدات میدانی، حاصل و با کدگذاری تجزیه و تحلیل شدند. ۶۲ نمونه از خانه‌هایی که معیارهای انتخاب پژوهش را داشته‌اند، شناسایی و مستندات لازم برای تحلیل یکایک آنها گردآوری شد. اصلی‌ترین معیارهای انتخاب نمونه‌ها، رواج در دوره زمانی خود و دسترسی به آنها بوده است. یافته‌ها حاکی از این است، نقش پله در سه دسته «فعالیت»، «کالبد» و «معنا» در برگزیده مقولاتی است که بیش از یک فضای ارتباطی در خانه‌های تاریخی دزفول به ایفای نقش می‌پردازد. «اجتماع‌پذیری»، «سلسله‌مراتب فضایی»، «نماد و نشانه»، «هویت‌پذیری»، «خاطره‌انگیزی»، «تداوم و پیوستگی فضایی»، «مرزبندی» و «غنای بصری» از جمله نقش‌های پله در خانه‌های تاریخی دزفول هستند. به‌طور کلی پله در خانه‌های دزفول، با انطباق فعالیت‌های انسانی با کالبد معماری از طریق همگرایی سه مؤلفه مذکور سیستمی یکپارچه را پیکربندی نموده است.

واژه‌های کلیدی

خانه‌های تاریخی دزفول، فضای ارتباطی پله، مدل مکان کانتر، پله در خانه‌های دزفول

استناد: حیاتی، زینب؛ نژاد ابراهیمی، احد و سلیمانی، مریم (۱۴۰۲)، جایگاه پله در پیوند با زندگی ساکنین خانه‌های تاریخی دزفول بر اساس مدل مکان کانتر (خانه‌های دوره‌های قاجار و پهلوی)، نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۲۸(۳)، ۷۵-۸۹. DOI: <https://doi.org/10.22059/jfaup.2024.359373.672875>

*مقاله حاضر برگرفته از واحد درسی دوره دکتری معماری اسلامی نگارنده اول با عنوان «تاریخ فرهنگی معماری اسلامی ایران» می‌باشد که با راهنمایی نگارندگان دوم و سوم در دانشگاه هنر اسلامی تبریز ارائه شده است.



**نویسنده مسئول: تلفن: ۰۲۰۷-۳۵۵۳۹۲۰۷-۴۱، E-mail: ahadebrahimi@tabriziau.ac.ir

مقدمه

بر جنبه‌ی عملکردی و ارتباطی آن، در کنار سایر فضاها و عناصر خانه، تجربه‌ی زیستی متفاوتی را در خانه‌های تاریخی دزفول رقم زده است؛ از این رو پرداختن به جایگاه آن نیازمند رویکردی فراکالبدی است. در این پژوهش «نظریه مکان کانتر» ساختار تحلیل پژوهش را تشکیل می‌دهد. به این دلیل که کانتر مکان را بخشی از فضای طبیعی یا انسان ساخت می‌داند که حاصل تعامل عوامل رفتاری، مفاهیم قابل دریافت توسط انسان و ویژگی‌های کالبدی محیط است و نمی‌تواند مستقل و جدای از انسان در نظر گرفته شود (Cassidy, 1997). در همین راستا، این پژوهش، جستاری برای شناسایی جایگاه فضای ارتباطی پله، ابعاد مختلف و تأثیرگذاری آن بر اساس مدل مکانی کانتر می‌باشد؛ و به این پرسش پاسخ می‌دهد که با توجه به زندگی ساکنین دزفول و بر اساس مؤلفه‌های مکان کانتر، پله چه جایگاهی در کیفیت فضایی خانه‌های تاریخی دزفول دارد؟ برای نیل به هدف پژوهش در گام نخست، مدل مکان کانتر به‌عنوان مدل پایه پژوهش تعریف شده است. در ادامه شاخصه‌های مرتبط با مؤلفه‌ها در سه سطح کالبد، فعالیت و معنا بر اساس آراء صاحب‌نظران منجر به تکمیل مدل مفهومی پژوهش گردید. در گام بعدی، بر اساس مدل مفهومی، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌ها از طریق کدگذاری باز، محوری و انتخابی، تبیین شده است. پس از تدقیق وجه کالبدی، معنایی و فعالیتی پله، در نهایت بر اساس تحلیل یافته‌ها شاخصه‌های سه‌گانه مکان برای شناسایی جایگاه پله در خانه‌های تاریخی دزفول مورد بررسی قرار گرفت.

در معماری خانه رابطه‌ی بین فضاهای مختلف، از طریق فضای ارتباطی صورت می‌گیرد. فضاهای ارتباطی یا کاملاً ارتباطی هستند و یا علاوه بر ارتباطی بودن، گاهی فضای زیستی هم می‌گردند؛ و یا عملکردی یا عملکردهای دیگری نیز علاوه بر خصلت ارتباطی می‌یابند. ورودی، دهلین، غلام‌گردش و پله از نوع اول، ایوان، سکو و گوشوار از نوع دوم و هشتی از نوع سوم این گروه فضاها هستند (حبیبی، اهری، ۱۳۷۲، ۳۷). برخی از این فضاها به واسطه سنن زیستی و نحوه‌ی قرارگیری فضاهای دیگر عملکرد چندگانه دارند. در این میان پله به‌عنوان یک عنصر ارتباط عمودی که از دیرباز پیونددهنده و ارتباط‌دهنده‌ی فضاهای مختلف واحد مسکونی در لایه‌های مختلف فضایی بوده است، نقش بسیار مهمی را در استقلال و یا هم‌پیوندی فضایی ایفا نموده و عموماً نسبت به فضاهای مجاور خود در درجه پایین‌تری از اهمیت قرار دارد. کاربرد پله در نقش ارتباطی آن در بین طبقات خلاصه نمی‌شود. خود پله مکانی مجزا، یک حجم مشخص و جزئی از ساختمان به شمار می‌آید و در صورت طراحی ناصحیح نه تنها به مکانی مرده تبدیل می‌شود بلکه طبقات را منقطع و تبدیل به بخش‌های جدا از هم می‌کند (الکساندر، ۱۳۹۳، ۳۲۰). اهمیت فضای ارتباطی پله در مسکن دزفول، به دلیل اهمیت ارتباطات عمودی در این شهر و کوچ در ارتفاع در یک شبانه‌روز^۱ دو چندان می‌شود. این در حالی است که در مطالعات صورت گرفته پیشین در مورد خانه و بطور خاص خانه‌های دزفول، ساختار کالبدی پله تنها در جایگاه فضای ارتباطی عمودی به ویژه در ارتباط با شوادان‌ها و شبستان‌ها مورد بحث بوده است. بررسی جایگاه پله از آن جهت قابل پیگیری است که پله علاوه

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی است که در آن سعی شده، بر مبنای رویکرد استقرائی و به روش «تئوری داده بنیاد» جایگاه پله در خانه‌های تاریخی دزفول (دوره‌های قاجار و پهلوی) تبیین گردد. در این روش داده‌های اولیه از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و یادداشت‌های میدانی جمع‌آوری شد. در این روند، ۱۵ نمونه از خانه‌هایی که معیارهای انتخاب پژوهش را داشته‌اند، شناسایی و مدارک و مستندات لازم برای تحلیل یکایک آنها گردآوری شد. اصلی‌ترین معیارها برای انتخاب نمونه‌ها، رواج در دوره‌ی زمانی خود و دسترسی به ساکنان آنها بوده است.

این نمونه‌ها متعلق به دوره‌ی قاجار، پهلوی اول و پهلوی دوم هستند. در تصاویر (۱-۲) به ترتیب الگوهای غالب خانه‌ها با توجه به موقعیت حیاط و جایگاه پله در منطقه و همچنین مشخصات خانه‌های برداشت شده نشان داده شده است. لازم به ذکر است که برای کسب اطلاعات تکمیلی و بررسی مقولات بدست آمده، سعی شد از ۱۱ نمونه دیگر از خانه‌های مشابه بازدید به عمل آید. دلیل انتخاب این نمونه‌ها، افزون بر ویژگی‌های کالبدی، در امان بودن از تغییرات اندک در طول زمان و امکان بازدید از همه بخش‌های بنا بوده است. خانه‌های انتخابی از بین قشر متوسط جامعه بوده‌اند. با این وجود، با توجه به اینکه بسیاری از خانه‌های دوره قاجار تخریب گردیده‌اند، در مواردی نیز به خانه‌های قشر مرفه که مرمت شده‌اند اشاره شده است. در این مطالعه، با تأکید بر نمونه‌گیری هدفمند

برای دستیابی به اطلاعات غنی‌تر، ۲۱ زن و مرد با دامنه سنی ۳۰ - ۶۰ ساله بعنوان شرکت‌کننده، انتخاب شدند. به دلیل محدودیت و عدم تمایل افراد در مشارکت، مصاحبه با افرادی که تمایل داشتند و افرادی که در این خانه‌ها رفت و آمد داشته‌اند، انجام گرفت. از آنجا که غالب ساکنین از سواد محدودی برخوردار بودند سعی شد از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته استفاده شود تا از این طریق مشارکت‌کنندگان بتوانند در یک گفتگویی آزاد تجارب و اطلاعات خود را متناسب با فهم خود در اختیار محقق قرار دهند. بازه زمانی این مصاحبه‌ها بین ۳۰ تا ۴۵ دقیقه بوده است و محوریت پرسش‌ها مطابق با مدل کانتر با تأکید بر سه وجه کالبد، معنا و فعالیت بوده است. لازم به ذکر است شخص سرپرست خانوار (خانم یا آقا) به‌عنوان مصاحبه‌گر اصلی قلمداد شده است که در این میان فرزندان هم در مصاحبه شرکت داشته‌اند. در تصویر (۳) روند پژوهش به‌طور کامل شرح داده شده است.

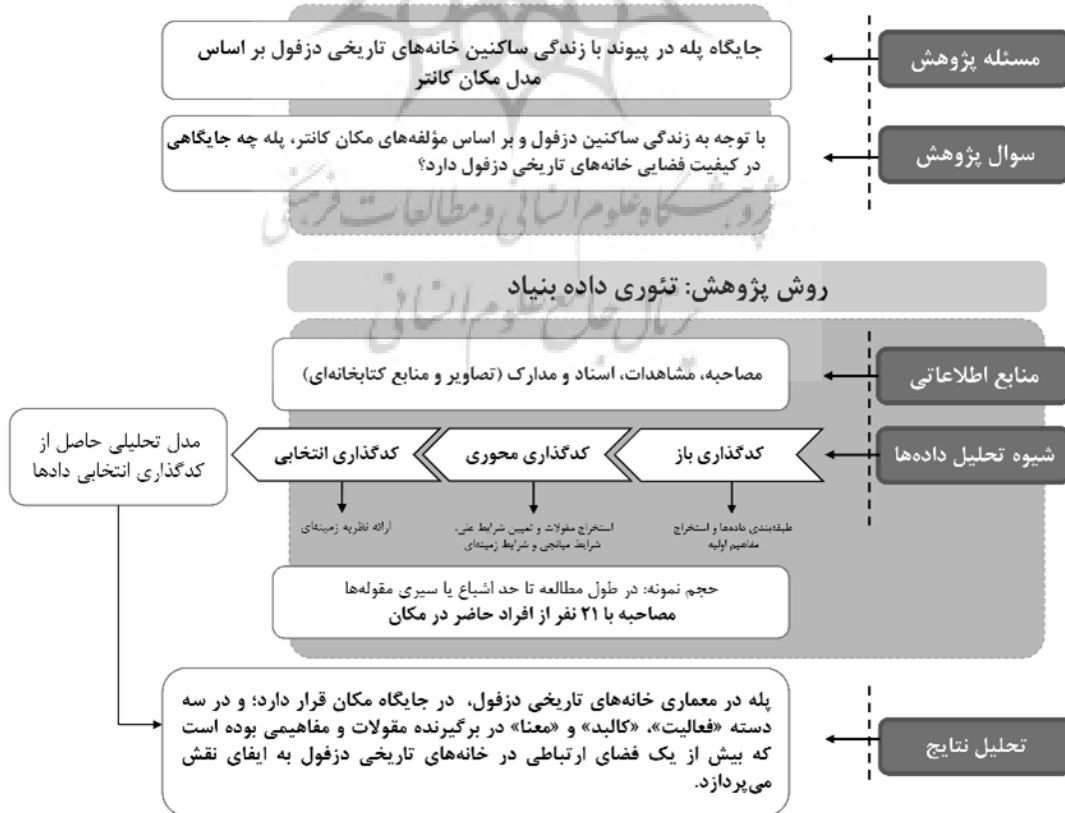
پیشینه پژوهش

پژوهش در حیطه موضوعات مرتبط با خانه که جامع‌ترین و در عین حال انحصاری‌ترین فضای زندگی انسان‌هاست گستره وسیعی دارد؛ و همیشه در اندیشه، کلام و همچنین عرصه آفرینش و ساخت برای معماران قابل توجه بوده است. دور شدن کیفیت از فضاهای خانه و عدم پاسخگویی محیط خانه بر تمامی جنبه‌های زندگی سبب شده تا این موضوع دغدغه ذهنی بسیاری از پژوهش‌های نظری قرار بگیرد. کم و بیش مبنای بسیاری



● خانه‌های دوره قاجار و پیش از آن و دوره پهلوی اول
● خانه‌های دوره پهلوی دوم

تصویر ۱. موقعیت خانه‌های برداشت شده.



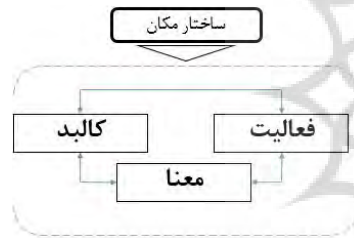
تصویر ۳. مدل روند پژوهش.

جایگاه پله در پیوند با زندگی ساکنین خانه‌های تاریخی دزفول بر اساس مدل مکان کانتر (خانه‌های دوره‌های قاجار و پهلوی)

دوره قاجار و پیش از آن					
نام خانه	گلچین	اسماعیلی	شایگان	سوزنگر	تیزنو
پلان معماری همکف					
توده و فضا					
تصویر					
دوره پهلوی اول					
نام خانه	زمان	بی باز	بزی بزرگ	فیروزی	نیلساز
پلان معماری همکف					
توده و فضا					
تصویر					
دوره پهلوی دوم					
نام خانه	قمشی	مامان فاطمه	گوشوار	نیرو بخش	نیکونزاد
پلان معماری همکف					
توده و فضا					
تصویر					

جدول ۲. مشخصات خانه‌های برداشت شده.

و معنی را گویاترین جلوه‌های یک ساختمان معرفی می‌کند (capon, 1999). همچنین رلف در کتاب مکان و بی‌مکانی، مکان را سه وجه کالبد، فعالیت و معنا تعریف می‌کند (Tuan, 1977). در همان دوران دیوید کانتر (۱۹۷۷)، پیوند میان انسان و محیط را از طریق مفهوم مکان تشریح کرده است. محور اصلی نظریه او، بیانگر رابطه میان عوامل سازنده هر مکان است که شامل ویژگی‌های فیزیکی «کالبد»، «فعالیت‌ها» و «تصورات» است که به وسیله نقطه تلاقی سه حوزه منطبق، که بر محیط فیزیکی، رفتار و مفاهیم دلالت دارند، نشان داده می‌شود (تصویر ۴). از آنجایی که اثر معماری، خواه ناخواه از رهگذر شکل کالبدی آن معرفی می‌گردد، مقوله کالبد نمایانگر اندیشه‌های ساختن و زیستن در معماری است و زمینه‌های فیزیکی و عینی را به نمایش می‌گذارد (مندگاری، ۱۳۹۱، ۱۰۶). در مقوله کارکرد، تأثیر عوامل خارجی و پیرامونی فراتر از الزامات عملکردی یا طبیعی، طیف گسترده‌ای از کارکردهای فرهنگی را نیز در بر می‌گیرد. نهایتاً در مقوله معنا فراتر از تمامیت معنا در نمادگرایی، تطابق با شرایط تاریخی و اندیشه‌های معاصر و شناخت انواع سبک‌های مستقل از فرد عمل می‌نمایند، رابطه متقابل فرد و محیط و تفاوت‌های فردی لحاظ می‌گردد (کاپن، ۱۳۹۲، ۱۹۰). این عوامل هر یک در برگزیده مفاهیم جزئی هستند که در جدول (۱) ابعاد آنها ارائه گردیده است.



تصویر ۴. مدل مفهومی پژوهش.

در تفسیر هر فضا این سه گانه از هم جدا نیستند و نمی‌توان تنها به یکی از آنها توجه نمود. آنگونه که در تاریخ معماری دیده می‌شود گاهی شکل در مقابل معنا قرار گرفته است. بر این اساس دیدگاه‌های فرم‌گرا، عملکردگرا و یا معناگرا در معماری دیده شده است که باور این دیدگاه‌ها برتری یکی از وجوه بر وجوه دیگر می‌باشد (بینای مطلق، ۱۳۸۹، ۳۴). به‌عنوان مثال لوتیس سالیوان عمدتاً به فرم و عملکرد محض تأکید می‌کند، همچنین به اندیشه فرانک لوید رایت عملکرد (کاربرد) در جایگاه نخست و پس از آن فرم اهمیت دارد (کاپن، ۱۳۹۲، ۳۶). این در حالی است که معماران سنتی این سه وجه را در پیوند با هم دیده‌اند (بینای مطلق، ۱۳۸۹، ۳۶). آنچه اهمیت دارد حضور هم‌زمان و متعادل این سه گانه در کلیت فضایی است. بدین منظور تفکیک و جداسازدن این سه مفهوم در معماری تنها به منظور بررسی عمیق‌تر موضوع صورت می‌گیرد. با این وجود از آنجایی که مفهوم معنا در یک مکان ارتباط مستقیم با تجربه مکان و نوع ارتباط فرد با محیط در شکل‌گیری مکان دارد (شاهچراغی، بندرآباد، ۱۳۹۹، ۲۶۴)، بنظر می‌رسد مقوله معنا در مقایسه با دو مقوله دیگر دارای ابهامات و پیچیدگی‌های بیشتری می‌باشد. شولتز مکان را فضای احساس و درک شده و با خاطره عجین شده تلقی می‌کند و بخشی از معنای مکان را در تجربه‌ها و حالات روحی انسان جست‌وجو می‌نماید (شولتز، ۱۳۸۲، ۷۳). همچنین او استفاده از نشانه‌های خاطره‌انگیز و نمادها را در ادراک

از پژوهش‌هایی که تاکنون در این حوزه انجام شده، در پی بررسی‌های صورت گرفته توسط پدیدارشناسی و روانشناسی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی می‌باشد؛ که سبب گردید جریانی بین رشته‌های مختلف در حوزه معماری خانه شکل گیرد (Rapoport, 1969؛ Cooper Marcus, 1997؛ Altman, 1992؛ Hayward, 1975).

در راستای منابع رده اول در حوزه معماری خانه در شهر دزفول می‌توان به مطالعات صورت گرفته توسط ربوبی و رحیمیه (۱۳۵۳)، حبیبی و اهری (۱۳۷۲)، داعی پور (۱۳۹۲) و سروش (۱۳۸۳) اشاره نمود. در تمامی این منابع با اشاره به اینکه در خانه‌های دزفول به پله از نظر کمی و کیفی توجه ویژه‌ای شده است به اهمیت و کارایی زیاد طبقات بالایی بنا، بام و همچنین فضاهای زیرزمینی در زندگی افراد اشاره گردیده است. بنابراین در این مطالعات تنها ساختار کالبدی پله و تأثیر شکلی آن بر سیمای شهر مورد بحث بوده است.

منابع مرتبط در مرتبه دوم، پژوهش‌هایی است که معماری خانه‌های دزفول را با بررسی مفهوم مکان و تبیین تجربه زیسته مشخص نموده است. در این راستا در مطالعه‌ای تحت عنوان فهم سرشت خانه ایرانی، صدوقی به منظور کشف ابعاد عاطفی مکان، به تبیین تجربه زیسته در دو مکان شوادان و پیش‌بوم در خانه‌های دزفولی پرداخته است. در این پژوهش معنای مکان در خانه‌های دزفول به ویژه در شوادان‌ها به روشی پدیدارشناسانه تبیین گردیده است (صدوقی، ۱۳۹۰). عینی فر و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «سیر تحول قلمروهای ثانویه در درون خانه‌های دزفول» با درک ویژگی‌های فرهنگی و شیوه زیست، به شناخت مرزها و محدوده‌های واقعی هر یک از قلمروها در دوره معاصر پرداختند. بطور مشخص هیچ یک از پژوهش‌های یاد شده و حتی سایر پژوهش‌های دیگر با رویکردی فراکالبدی به موضوع خانه، فضای ارتباطی پله را مورد بحث قرار نداده‌اند.

به‌طور کلی توجه بیشتر مطالعات در زمینه خانه و مسکن، نزد فضاهای زیستی از جمله ایوان، آشپزخانه و حیاط به شیوه‌های مختلف بوده است؛ و فضای پله با توجه به نقش ارتباطی آن کم اهمیت بوده است. بنابراین آنچه این پژوهش را از آثار و پژوهش‌های یاد شده متمایز می‌نماید توجه به جایگاه پله در خانه‌های دزفول است که زندگی متفاوتی را برای ساکنین این خانه‌ها فراهم نموده است.

مبانی نظری پژوهش

معرفی سه‌گانه کالبد، فعالیت و معنا (مدل مکان کانتر)

یکی از راه‌های شناخت بهتر فضاها، شناخت عواملی است که بر آن تأثیر می‌گذارد. «آنچه یک فضا را به یک مکان ارتقا می‌دهد، آمیخته شدن آن با معانی و مفاهیم عمیق است که در طول زمان گسترش می‌یابد» (Relph, 1976). مطالعات پیرامون مفهوم مکان در علوم مختلف مورد مطالعه قرار گرفته است و بر این اساس تعاریف مختلفی در ارتباط با مکان ارائه گردیده است (مبینی دهکردی، ۱۳۹۰؛ Sime, 1986). به‌طور کلی در بخشی از این تعاریف به ابعاد کالبدی و فیزیکی مکان توجه شده و در بخشی دیگر، معانی و مفاهیم درون مکان مورد توجه قرار گرفته است (حیدری، بهدادفر، ۱۳۹۳). در رویکردی مکان متشکل از سه عامل خصوصیات فیزیکی محیط، معانی و احساسات منتسب به مکان است (Turner & Turner, 2006). کاپن (۱۹۹۹) نیز شکل یا قالب، عملکرد

ادامه بیان شده است. همانگونه که مطرح گردید، دریافت داده‌ها جز از طریق مواجهه رو در رو با ساکنان و انجام مصاحبه امکان‌پذیر نبوده است. به دلیل ویژگی ابزار تحقیق، یعنی مصاحبه عمیق که برخلاف پرسشنامه، با تعداد محدودی انجام می‌گیرد، انتخاب مصاحبه‌شوندگان اهمیتی دو چندان می‌یابد. تلاش بر آن بوده است تا مصاحبه‌شوندگان در الگوهای موردبررسی زندگی کرده باشند. موضوعات اصلی مطرح شده در مصاحبه‌ها در ارتباط با جایگاه پله، کارکرد فضاهای مختلف، تسلسل زمانی و مکانی رویدادها، روابط همسایگی، تغییرات رخ داده در کالبد خانه و فضاهای جنسیتی بوده است.

کدگذاری باز

این مرحله بلافاصله بعد از اولین مصاحبه انجام شده و پژوهشگر بعد از هر مصاحبه، اقدام به پیدا کردن مفاهیم و انتخاب بر چسب مناسب برای مفاهیم و داده‌های حاصل از مصاحبه کرده است. در کدگذاری باز سعی شد با تجزیه و تحلیل متن مصاحبه‌ها و نشانه‌گذاری داده‌ها، مفاهیم حاصل شده تحت کدگذاری ثانویه در قالب مقوله‌های عمده و مقوله‌های هسته طبقه‌بندی شوند (جدول ۲-۴).

و فهم انسان از مکان مؤثر می‌داند. این نشانه‌ها می‌توانند علائم آشنا و یا خاطره‌انگیز برای مردم باشد. همچنین رلف، مکان را در تصویرهای ذهنی و خاطره‌های مردم و آن را مؤثرترین عامل در هویت مکان می‌داند (حبیبی، ۱۳۸۷). بنابراین تنها با بررسی تجربه زیسته افراد و الگوهای رفتاری آنان در خانه می‌توان به این مهم دست یافت.

یافته‌های پژوهش

در آنالیز و دسته‌بندی داده‌ها، با اتکا به شیوه رهیافت نظام‌مند استرواس و کوربین (۱۳۸۵)، در سه مرحله اصلی کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. کدگذاری باز با تجزیه و تحلیل دقیق داده‌ها به نام‌گذاری، مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی پدیده‌ها می‌پردازد. کدگذاری محوری متضمن شرایط علی، ایده محوری، زمینه، شرایط میانجی، پدیده‌ها و پیامدهاست که باعث برقراری رابطه علت و معلولی بین مقوله‌ها می‌شود. کدگذاری انتخابی مرحله اصلی نظریه‌پردازی است که بر اساس نتایج دو مرحله قبل انجام می‌شود (فراستخواه، ۱۳۹۵، ۱۶۹-۱۸۰). این کدگذاری به تولید تئوری پرداخته و به این ترتیب مقوله محوری را به شکلی نظام‌مند به دیگر مقوله‌ها ربط داده و روابط در چارچوب یک روایت روشن می‌شود. نتایج حاصل از هر مرحله در

جدول ۱. مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری هر مکان از دید کانتر.

مؤلفه‌های تأثیرگذار بر مکان	شاخصه‌های مرتبط با مؤلفه‌های سه‌گانه	آراء صاحب‌نظران
کالبد**	مرزبندی کالبدی	(carmona, ۲۰۰۶)، (عینی‌فر، آقالطیفی، ۱۳۹۰)، (عینی‌فر، علی‌نیای مطلق، ۱۳۹۳)، (سالینگروس، ۱۳۸۷)، (فلاح، ۱۳۸۵)
	غناي بصری (نظم فیزیکی و بصری، تناسب و مقیاس)	(فلامکی، ۱۳۹۱)، (گروتز، ۱۳۹۰)، (شولتز، ۱۳۸۲)، راپاپورت (۱۹۶۹)، بنتلی (۱۹۴۵)
	گوناگونی و تنوع شکلی (سقف، کف، دیوار و جداره‌ها)	
	قابلیت‌های محیطی	
فعالیت**	ایجاد تداوم فضایی	
	سلسله‌مراتب دسترسی	(عینی‌فر، علی‌نیای مطلق، ۱۳۹۳)، (حبیبی، ۱۳۸۷)، (حائری‌مازندرانی، ۱۳۸۸)، (الکساندر، ۱۳۹۰)، (گیدنز، ۱۳۷۸)، (فلاح، ۱۳۸۵)، (carmona, ۲۰۰۶)
	سلسله‌مراتب فضایی و لایه‌بندی فضاها	
	گوناگونی رویدادهای شبانه و روزانه	
معنا**	تداوم و پیوستگی فضا	
	اجتماع‌پذیری	
	سازگاری و تنوع فعالیت	
	خوانایی	(حبیبی، ۱۳۸۷)، (شولتز، ۱۳۸۳)، (carmona, ۲۰۰۶)، (رلف، ۱۹۷۷)، (الکساندر، ۱۳۹۰)، (سالینگروس، ۱۳۸۷)، (فلاح، ۱۳۸۵)، (گروتز، ۱۳۹۱)، (توان، ۱۹۷۷) راپاپورت (۱۹۶۹)
	خلق هویت	
	قابلیت تداعی معانی	
	امکان جهت‌یابی	
	خاطره‌انگیزی	
	نماد و نشانه‌سازی	
توضیحات		
* کالبد: به عنوان آنچه بیانگر و نمایانگر اندیشه‌های ساختن و زیستن در معماری است، موجودیتی عینی و زمینه‌هایی فیزیکی را نشان می‌دهد که ظواهر ساختمان شامل سازه و مصالح، ویژگی‌های شکلی (حجم، نما، اندازه، روابط درونی فضا، هندسه و...) مرزبندی کالبدی، اسباب و اثاثیه داخلی و قابلیت‌های محیطی (آب، درخت، باد، نور) را در بر می‌گیرد.		
** فعالیت: مجموعه رفتارهای انسانی را که به صورت وضعیت‌های مختلف بدنی و حالات روانی و نیز روابط درونی میان فعالیت‌های مختلف ظهور می‌یابد، شامل می‌شود. ساختار عملکردی فضا در بروز رفتارها در محیط مؤثراند و متقابلاً از رفتارها و پیش‌بینی وقوع آن‌ها تأثیر می‌گیرند.		
*** معنا: این عامل به دریافت‌های ذهنی انسان از محیط زندگی مربوط است. ابراز احساسات و عکس‌العمل‌های متفاوت و معانی شکل گرفته در ذهن ساکنان، رابطه عاطفی، تصورات ذهنی، استنباطات، نمادها و نشانه‌ها را در بر می‌گیرد.		

جدول ۲. کدگذاری باز در وجه کالبدی پله.

مقوله هسته: ۱. وجه کالبدی پله در خانه‌های تاریخی دزفول			
مقوله عمده		مفاهیم اولیه	
ایجاد تناسبات بصری		R1-1: پله مثل ستون فقرات تو بدن هست و همه جا رو به هم وصل می کنه و یک نظم و انسجامی به فضاها میده.	
جذابیت خط نمای آسمان		R1-2: اینکه پله جزو اصلی ارتباط فضاهاست، منو مجبور به حرکت می کنه چون توش حرکت بیشتره. R1-3: شکل و شمایل پله بچوره که تو آفتاب سایه می ندازه و میشه تو سایه اش وایساد یا مثل سکو میشه روش نشست و... R1-4: از سمت رودخونه که به بافت نگاه کنی، کنیسه‌ها رو می بینی که بالا و پایین شدن و بافت پله پله ای رو به وجود آوردن.	
درک انواع چشم اندازها		R1-5: با پله میشه همه جای خونه رو دید انداخت و از پشت بام تا کف حیاط جا هست که بتونیم تجربه کنیم که هر کدوم حال خودشو داره، تو پشت بوم آسمون رو خونه‌های اطرافو می بینیم تو حیاط چیزای دیگه.	
تنوع بخشی شکلی به فضا		R1-6: کنیسه‌ها همیشه روی پشت بام سایه می اندازند. بخاطر همین شب بخشی از پشت بام رو برای خواب انتخاب می کردیم که صبح با طلوع آفتاب، از سایه‌ش استفاده کنیم.	
آسایش دهی با سایه اندازی		R1-7: خونه که بزرگ باشه، پله‌ها بیشتر میشن، پله شوادون همیشه اون گوشه حیاطه.	
ایجاد تداوم فضایی		R1-8: تمام جابجایی هامون بین طبقات از طریق پلکان هست. پله بیشترین استفاده رو داره.	
عرصه بندی عمودی		R1-9: پله‌ها تو خونه جایی هستن که بیشترین ارتباط رو با حیاط پایین و بالا داره.	
پویایی و دینامیک فضا		R1-10: تمام جابجایی هامون بین طبقات از طریق پلکان هست. پله بیشترین استفاده رو داره.	
نظم و انسجام دهی		R1-11: پنجره برج خیلی بزرگ هست و تابستان هوا گرم میشه، بخاطر همین شیشه‌ها رنگ شده. R1-12: اینکه پله در حال قرار دارد ارتباط با اتاقی بالا خیلی راحت تره و در دسترس تره.	
تطابق برخی مصادیق مورد رجوع در نمونه‌های مورد بررسی با کدهای استخراج شده			
			
R1-4	R1-3 و R1-6	R1-7	R1-5
تقویت تناسبات بصری و تقویت خط آسمان مکان	آسایش اقلیمی با سایه اندازی	گوناگونی شکلی و تعدد پله‌ها	کیفیت چشم اندازها
			
R1-11	R1-9	R1-7	R1-12
عدم آسایش اقلیمی در خانه‌ها با الگوهای وارداتی، استفاده از شیشه‌های رنگی در برابر نور	عرصه بندی عمودی و ایجاد تداوم فضایی	گوناگونی شکلی و تعدد پله‌ها	ارتباط فضایی، ایجاد تداوم فضایی هال با فضای بالا

کدگذاری محوری

کدگذاری محوری، مقولات و انبوه مفاهیم به دست آمده از مرحله کدگذاری باز را با هم مقایسه می کند و با ترکیب و تقلیل مفاهیم، تمامی معانی به دست آمده از تحقیق را حسب ارتباطی که با هم دارند، در چند محور اصلی یا در چند ربط نظری مرتب سازی می کند (فراستخواه، ۱۳۹۵، ۱۶۹). این کار با استفاده از یک مدل پارادایمی انجام می شود که «شرایط علی»، «پدیده‌ها»، «شرایط زمینه»، «شرایط میانجی» و «پیامدها» را شامل می گردد. نتایج حاصل در این مرحله در نمودار (۲) آمده است.

کدگذاری انتخابی

کدگذاری انتخابی، مرحله اصلی نظریه پردازی است که بر اساس نتایج مرحله پیشین که به عنوان مرحله مقدماتی و زمینه ساز برای تئوری پردازی در نظر گرفته شده است، انجام می شود. این کدگذاری به تولید تئوری در مورد جایگاه پله در خانه‌های تاریخی دزفول حول سه محور «کالبد»، «فعالیت» و «معنا» در مدل کانتر می پردازد و به این ترتیب مقوله محوری را به شکلی نظام مند به دیگر مقوله‌ها ربط داده است. نتایج بدست آمده در مدل تحلیلی زیر تبیین شده است (جدول ۵).

جدول ۳. کدگذاری باز در وجه فعالیت پله.

مقوله هسته: ۲. وجه فعالیت پله در خانه‌های تاریخی دزفول	
مقوله عمده	مفاهیم اولیه
حضور پذیری کودکان	R2-1: روزهایی که خونه شلوغ باشد برای فکر کردن میام اینجا که دنج تره تا با خودم خلوت کنم.
قابلیت اجتماع پذیری	R2-2: اگر مامانم تو حیاط بود و کار داشت، مامان فاطمه که میومد پیشش همیشه رو پله‌ها می نشست و حرف می زد.
سازگاری فعالیتی	R2-3: همسایه وقتی میاد رو پله می شینه، به وقتایی اونجا سبزی پاک می کنیم، حرف می زنیم... R2-4: آشپز خونه خیلی کوچیکه طرفا رو گذاشتم رو پله و تو حیاط آشپزی می کنم.
قلمرو بخشی و حفظ خلوت	R2-5: حال ما همیشه پر از دمپایی بود. هر وقت مهمان داشتیم فرش را پهن می کردیم. و پله جای کفش ها میشد.
تسهیل ارتباطات جمعی	R2-6: روی پله داخل خونه فرش انداختیم، گل میذاریم و حکم دکور خونه رو داره و جایبه که تنوع میده به خنومون... R2-7: گاهی تنها برای سیگار کشیدنو... اینجا می شینم گاهی همسایه‌ها میان رو پله می شینیم و حرف میزنیم... R2-8: پله تو هشتی، انبار وسایل شده.
میان فضایی و کارکرد ثانویه	R2-9: گاهی تنها برای سیگار کشیدنو... اینجا می شینم گاهی همسایه ها میان رو پله می شینیم و حرف میزنیم... R2-10: پله خونه مامان بزرگم فقط انبار وسایل هست.
نشیمگاه جمعی و فردی	R2-11: پله تو خونه قبلی ما تو ورودی بود، بخاطر همین خیلی وقتا وسایل خرید رو میذاشتم اونجا و سریع میرفتم تو کوچه. R2-12: پیش میومد که موقع قایم موشک بازی روی کنیسه بپریم.
تأمین نیازهای جانبی	
تطابق برخی مصادیق مورد رجوع در نمونه‌های مورد بررسی با کدهای استخراج شده	
	
R2-10 تأمین نیازهای جانبی - انبار وسایل	R2-6 تأمین نیازهای جانبی - قرار گرفتن گلدان روی پله
	
R2-4, R2-8, R2-11 تسهیل فعالیت کاربران و سازگاری فعالیتی - استفاده از پله برای ظروف	
	
R2-11 تأکید بر وجه میان فضایی در خانه‌های پهلوی دوم، پله به عنوان جزئی از فضای ورودی	R2-1, R2-3, R2-2 تأکید بر وجه میان فضایی، پله به عنوان فضای سوم در خانه‌های قاجار

بحث و تحلیل یافته‌ها

ارزیابی عنصر پله در وجه کالبد

دسترسی به اتاق بالا بوده که در ابتدا با توجه به شغل پدر خانواده، محل کار وی محسوب می شد و در سال‌های بعد با ازدواج پسر خانواده، به محل زندگی او تبدیل می گردید. علاوه بر این بسته به وسعت خانه و حضور خانواده گسترده چندین پلکان عمودی در بخش‌های مختلف حیاط دیده می شد. در نهایت پله‌های دسترسی به شوادون، که بصورت حفره‌ای در حیاط خانه دسترسی به زیر زمین را تأمین می کرد. علاوه بر این از آنجایی که بام نقش جدی در زیست این منطقه داشته است، دستگاه پله‌ای برای دسترسی به بام وجود داشت که می توانست در ادامه پلکان قبلی باشد و یا در موقعیتی دیگر قرار بگیرد. به حجم پلکانی قابل مشاهده در بام در گویش محلی، «کنیسه^۲» گفته می شود. تعدد بیشتر پله‌های دسترسی به بام نسبت به پله‌های بین طبقات، حکایت از اهمیت فضاهای باز زیستی و حتی بام در زندگی ساکنین این شهر دارد. در دزفول به واسطه گرما و تابش شدید آفتاب، همواره تولید بیشترین سایه اهمیت داشته است (سروش، ۱۳۸۳، ۱۳۷).

با توجه به اهمیت سلسله مراتب فضایی در ارتفاع و نقش تأثیرگذار بام، پیش‌بام، حیاط، شبستان و شوادان به عنوان فضاهای زیستی در فصول

در این مطالعه منظور از وجه کالبدی تمامی ساختار فیزیکی و قابل رؤیت خانه‌های مورد بررسی است که در رابطه با نیازهای فیزیولوژیکی چون خوردن، خوابیدن، آسایش جسمی، حرارتی، بهداشتی و زیست محیطی پاسخگوی نیازهای انسان است. در این مطالعه آن بخش از کالبد خانه مورد مطالعه قرار گرفته که در رابطه با عنصر پله باشد.

آنچه از مصاحبه‌های ساکنان خانه‌ها برآمده، موقعیت قرارگیری پله همانند سایر فضاهای زیستی^۲ واجد ارزش بوده است. مطابق با پژوهش‌های پیشین بدلیل مرکزیت حیاط و میل به ارتباط حداکثری با آن در طبقات، معمولاً چند دستگاه پله وجود دارد که ارتباط بین دو فضای باز (حیاط پایین و بالا) را میسر ساخته است (داعی‌پور، ۱۳۹۲، ۷۳). در خانه‌های دوره قاجار در دزفول سه نوع پله دیده می شود. ۱. پله‌ای که در هشتی خانه قرار دارد، ۲. پله‌های موجود در حیاط و ۳. پله‌ی دسترسی به شوادون. بسته به موقعیت اجتماعی خانواده در مواردی بنا به نیاز، پلکان عمودی علاوه بر حیاط در هشتی خانه قرار می گرفت. این پله محل

پیامدها	بديده‌ها	شرایط علی
<p>کنترل ارتباطات جمعی خوانایی بیشتر فضا ارتباطات اجتماعی سازگارتر افزایش حریم شخصی حفظ خلوت خانواده افزایش ارتباطات فضایی بین طبقات حس نوستالژی و احراز هویت متخصص شدن خانه و آدرس دهی بهتر ایجاد سایه مناسب در ساعات مختلف شبانه روز داشتن خط آسمانی متفاوت در بخشی از شهر احساس امنیت روانی حاصل از شناسایی مکان</p>	<p>شخصی سازی فضا عرضه بندی فضا اعتباربخشی به محدوده خصوصی حفظ حرمت اندرونی ایجاد تصاویر ذهنی ایجاد استانه قلمروها ایجاد پویایی حجمی و فضایی تسهیل ارتباطات جمعی تداوم فضایی تفکیک پذیری خاطره انگیزی مرزبندی خلوت پذیری اجتماع پذیری سازگاری اقلیمی هویت بخشی به فضا</p>	<p>عنصر خاطره ساز سازگاری فعالیتی تأمین نیازهای جانبی سایه اندازی عامل ذهن آشنا ایجاد بهانه های اجتماع ساز وجود نشیمن گاه ایجاد فضاهای دنج و شخصی مرزبندی کالبدی- ملموس مرزبندی مجازی- ناملموس تفکیک فضایی عدم دید به حریم داخلی داشتن تناسبات بصری قلمرو بخشی به فضاهای خلوت آراستگی فضا با تزئینات الحافی دسترسی پذیری وجه میان فضایی ایجاد شکست های فراوان در نما</p>
شرایط میانجی	شرایط زمینه	
<p>داشتن ارتباطات خویشاوندی همسایگان با هم</p>	<p>نقوذ فرهنگ های غیربومی در خانواده استفاده از آجر بعنوان مصالح بومی</p>	

نمودار ۲. نمودار پارادیمی کدگذاری محوری داده‌ها.

جدول ۴. کدگذاری باز در وجه معنایی پله.

مفاهیم اولیه	مقوله عمده
	المان زیبایی بخش فضا
R3-1: ما هر سال قبل از عید ترده های پله رو رنگ می کنیم و حال و هوای خونه نو همیشه	ذهن آشنایی
R3-2: نور پله زیاده تابستونا اتاق بالا استفاده نمیشه ولی به پر نوریه خانه می ارزه، نهایتش روی پنجره پرده می زنیم.	عناصر خاطره ساز
R3-3: سایه اندازی برج و کنیسه ها روی کوچه ها حال و هوای بافت رو عوض کرده.	قابلیت شخصی سازی
R3-4: کنیسه خونه ها همیشه از فاصله دور معلوم می کنه که خونه کیه.	تقویت عوامل تداعی گر
R3-5: برج ها و کنیسه ها بافت رو پله پله کردن، باعث شدن این بخش متفاوت از بخش های دیگه شهر باشه.	نشانه سازی و هویت بخشی
R3-6: تو این منطقه گنده های پلکانی هم زیاده، مثل چغازنبیل پله پله ای هستن.	ایجاد تصاویر ذهنی
R3-7: یه غریبه بیاد توی بافت، یگی خونه با فلان برج، راحت آدرس رو پیدا می کنه.	درک تمایز آسمان و زمین
R3-8: ما شیشه های برج رو رنگ کردیم، هم از بیرون قشنگه هم از داخل. سر ظهر خیلی نور قشنگی میاد داخل.	امکان جهت یابی و خوانایی

تطابق برخی مصادیق مورد رجوع در نمونه های مورد بررسی با کدهای استخراج شده

			
<p>R3-7, R3-8 متفاوت بودن نمای این خانه ها نسبت به خانه های پیرامون، باعث خوانایی، نشانه شناسی و جهت یابی در محله می شود.</p>		<p>R3-3, R3-4, R3-5, R3-6 شکستگی پله ها باعث خوانایی، جهت یابی، ادراک مکان و هویت بخشی در بافت های قدیمی شده است.</p>	

جدول ۵. مدل تحلیلی حاصل از کدگذاری انتخابی داده‌ها.



پنهان در داخل سایر فضاها ادغام شده است (داعی‌پور، ۱۳۹۲، ۷۳). همچنین ارتباطات عمودی در خانه‌های تاریخی دزفول امکان بودن در ارتفاع‌های مختلف خانه در بام و حیاط در ارتفاع-دید و منظر متفاوتی را موجب شده است. نکته‌ای که باید به آن اشاره نمود استفاده از آجر در ایجاد پله‌خانه‌ها می‌باشد. این موضوع کاربرد عملکردی آجر را در این شهر دوچندان می‌کند.

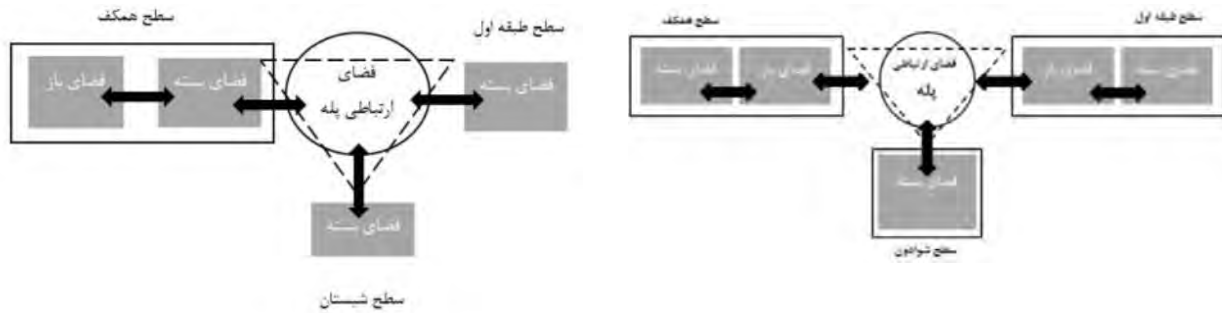
با گذر زمان و تغییرات بوجود آمده در بافت شهر و کاهش تعدد فضاهای باز در طبقات، از حضور پله در بخش‌های مختلف حیاط و هشتی کاسته شد. آنچه از مشاهدات و مصاحبه‌های ساکنان این خانه‌ها برآمده، حضور پر رنگ فضای ارتباطی عمودی در مهم‌ترین بخش خانه یعنی ورودی است. مطابق با مطالعات در دوره‌ای که معماری مدرن سبک رایج در بسیاری از شهرها بوده عناصر ارتباط عمودی بجای مخفی شدن در بخشی از بنا به جبهه اصلی نفوذ کرده، به عنوان عنصر شاخص در نمای اصلی به حساب می‌آیند و لذا به تعریف بیشتر ورودی پرداخته است. هم سو و هماهنگ با معماری مدرن و اندیشه‌های غربی، کالبد متفاوت

مختلف و حتی در یک شبانه‌روز، کارکرد پله دوچندان می‌شود. به‌طور کلی زیست در خانه‌های دزفول در پنج سطح اتفاق می‌افتد (تصویر ۵).

به دلیل نیاز ساکنین به تأمین سایه، و به منظور پرکاربرد شدن حیاط‌های بالا، حجم‌های بیرون زده پله‌ها، عمل سایه‌اندازی را انجام می‌دهند. کنیسه با سایه‌اندازی بر پشت‌بام و بخش‌هایی از حیاط آسایش اقلیمی را فراهم می‌نماید. بنابراین موقعیت پله لزوماً در کنج حیاط نبوده و بر اساس شکل زمین و موقعیت حیاط بالا در محلی قرار داده شده که بیشترین سایه‌اندازی برای ساکنین فراهم شود. همچنین در طبقه آخر اتاقک پله، شامل احجامی است که پله روی هم لغزیده، غنای بصری و خط آسمانی را متفاوت از سایر شهرها برای این شهر رقم زده‌اند. مطابق با مطالعات پیشین می‌توان سبک ساختمانی مشابه زیگورات چغازنبیل را در سرتاسر شمال خوزستان مشاهده نمود. همچنین پله‌خانه‌های دزفول را با ورودی‌های پلکانی معبد ایلامی مشابه می‌دانند (سروش، ۱۳۸۳، ۱۳۰). این در حالی است که پله در معماری سنتی ایران، نقشی تأثیرگذار بر سیمای داخلی و خارجی بنا ندارد و ارتباطات عمودی بصورت لایه‌ای



تصویر ۵. دیاگرام کالبد پله در نسبت ارتفاع به سطح.



تصویر ۶. ارتباط پله با فضاهای پیرامون در خانه‌های تاریخی دزفول.

به مرور با حذف حیاط‌های بالا از میزان ترکیب و ادغام پله در کالبد کاسته شده ولی همچنان قابلیت اجتماع‌پذیری، سازگاری فعالیتی و حضورپذیری کودکان به قوت خود باقیست. همچنین به دلیل تغییراتی که در جانمایی پله به مرور پیش آمد (قرارگیری در ورودی خانه) پله از حالت یک فضای خصوصی به یک فضای نیمه عمومی تبدیل شد و در نتیجه اصل حریمیت و سلسله‌مراتب فضایی که در خانه‌های تاریخی برگرفته از شیوه سکونت بوجود آمده بود مشاهده نمی‌گردد. این امر باعث شده پله کارکرد سنتی خود را تا حد زیادی از دست دهد. در واقع موج تجدیدگرایی، تغییر شیوه زندگی خانواده‌ها، تغییر تکنولوژی و مصالح سبب شد که الگوهای جدید، در راستای پاسخگویی به نیازها و روابط جدید جایگزین الگوی واحد سنتی گردد (حجت و آقالطیفی، ۱۳۹۶). در الگوهای جدید بسیاری از فضاها کارکردهای پیشین خود را از دست داده‌اند. به مرور با پذیرش الگوهای وارداتی خانه توسط ساکنان، حضور پله در مرکز خانه باعث شده محل مناسبی برای گل و گیاه باشد و حتی در مواردی با قرار گرفتن وسایل کاربردی روزانه به انباری موقتی تبدیل گردیده است (R8) و دیگر قابلیت نفوذپذیری و اجتماع‌پذیری گذشته را ندارد. با این حال در صورت تجمع تعداد زیادی در حال با حضور مهمانان، محلی برای نشستن کودکان بوده است.

ارزیابی عنصر پله در وجه معنا

نکته‌ی مهم این است که هر چه از وجه کالبدی و فعالیتی به سمت وجوه پنهان و معنایی پله پیش رفت، تفاوت جایگاه پله در خانه در دوره‌های مختلف بیشتر نمایان می‌گردد. یافتن وجه معنایی پله و معانی شکل گرفته در ذهن ساکنان بر اساس شیوه زندگی آنان، فراتر از کالبد و فعالیت می‌تواند به کشف نحوه ارتباط فضاها یاری رساند. در خانه‌های تاریخی دزفول، بین عواملی از قبیل شرایط اقلیمی، جهت‌گیری زمین و نحوه گسترش بنا در ارتفاع و شیوه زندگی ساکنان ارتباطی دوسویه برقرار بوده است. برقراری روابط خانوادگی، ارتباط با همسایگان، مراسمات مذهبی، زندگی دسته جمعی، حریمیت و سلسله مراتب فضایی، تسلسل زمانی و مکانی و کوچ در ارتفاع در ساعات مختلف شبانه‌روز از جمله مواردی است که به عنوان سرنخ‌هایی در خاطرات زندگی افراد می‌توان دید. شاخص بودن المان پله‌خانه در بافت و معماری خانه‌ها، خوانایی و درک مکان را دوچندان کرده است (R7) (R5). حضور پررنگ پله در بخش‌های مختلف خانه، بعنوان نشانه‌ای در بافت قدیم دزفول در ذهن متصور می‌شود و به جهت‌یابی و شناسایی کمک می‌کند (R7). علاوه بر این به دلیل شباهت حجم‌های پلکانی در این شهر، در تشابه با معبد چغازنبیل و گنبد‌های

خانه‌های این دوران، باعث سوق دادن افکار مردم به سمت معماری با گرایش‌های غیربومی گردید و اشاعه شیوه زندگی نوینی را به همراه داشت. از آنجایی که هم‌زمان با روی کار آمدن الگوی وارداتی، پذیرش توسط ساکنان صورت نگرفت در سال‌های اولیه، عدم هماهنگی بین کالبد و شیوه زندگی مشاهده می‌شد (عینی‌فر، آقالطیفی و حیاتی، ۱۳۹۹). بطور مثال برخی ساکنین خانه‌های دوره پهلوی دوم اشاره کردند که حال تنها به عنوان فضای تقسیم شناخته می‌شد و همچنان تجمع خانواده در یکی از اتاق‌ها بوده است (R1). به این دلیل که در نگاه ساکنان، پله در کنار مرکزی‌ترین عنصر خانه، کیفیت فضایی گذشته و نقش جدید را پذیرا نبوده است. همچنین عدم سلسله مراتب فضایی، حریمیت و گرمای ناشی از پنجره‌های سرتاسری برج خانه^۴، به وسیله پرده، راهروی ورودی و پله را از فضای هال جدا می‌ساختند. پس از گذر زمان، با پذیرش الگوهای وارداتی، شیوه زندگی متأثر از این الگو در بین ساکنان دیده شد. بطوریکه با اهمیت دادن به هال به عنوان فضای جمعی خانواده، توجه به پله بیشتر شد بطوریکه در انتخاب سنگ روی پله‌ها دقت می‌شد (R2). جالب توجه است که با توجه به سن مصاحبه‌شوندگان، نسل متأخر بیشتر به متفاوت بودن نمای بیرونی و برجسته بودن برج پله، اشاره می‌کردند. به‌طورکلی ارتباط پله با فضاهای پیرامون را می‌توان بصورت تصویر (۶) نمایش داد.

ارزیابی عنصر پله در وجه فعالیت

در حالت کلی وجه فعالیتی پله، قابلیت دسترسی، جابه‌جایی بین طبقات و فضای واسط بودن خواهد بود که علاوه بر تفکیک دو فضا از طریق ورودی‌ها و بازشوها به عنوان واسط ارتباطی میان دو فضا رفتار می‌نماید. این رابطه یک حقیقت غیرقابل اجتناب است زیرا که بدون آن تمامی کارکرد یک فضای محصور میسر نخواهد شد. در خانه‌های دزفول، مرزبندی فضای پله و به نوعی مفصل‌بندی آن باعث ایجاد نوعی از استقلال و سلسله‌مراتب فضایی گردیده است. در این خانه‌ها پله به شکل یک فضای جداکننده مستقل درآمده است که با وجود رعایت حریم‌ها، هرگز در ناظر حس انقطاع و عدم ترکیب را به وجود نمی‌آورد. علاوه بر این می‌توان به قابلیت اجتماع‌پذیری (R7)، تأمین نیازهای جانبی (R8)، تسهیل فعالیت کاربران (R4) (R5) و همچنین سازگاری فعالیتی (R9) اشاره نمود که در جدول (۳) به همراه گزاره‌های مربوطه بیان شده است. همچنین فضای پله و حجم پلکانی آن در این شهر، به اجتماع‌پذیری و حضورپذیری کودکان (R12) کمک نموده است که در ادامه خاطره‌سازی را در پی دارد که در وجه معنایی اشاره شده است. لازم به ذکر است هر یک از گزاره‌های مطرح شده می‌توانند چندین مقوله را پوشش دهند.

در فضا بیشتر می‌کند (R3). همچنین برج پله در نقش یک عنصر تزئینی، محل مناسبی برای ایجاد یک المان زیبا و شخصی سازی خانه در نمای بیرون بوده که هم‌زمان با به کار بردن شیشه‌های رنگی بر فضاهای درون خانه نیز تأثیر مطلوبی داشته است.

به طور کلی می‌توان گفت در خانه‌های تاریخی دزفول پله در جایگاه مکان قرار گرفته است و مؤلفه‌های شکل‌گیری پله در هر سه وجه کالبد، فعالیت و معنا نقش مهمی را ایفا می‌کنند. همچنین بیش از یک فضای ارتباطی در خانه‌های دزفول به ایفای نقش می‌پردازد. پله‌خانه‌ها در خانه‌های تاریخی دزفول باعث شده‌اند که ساکن خانه فعالیت‌های خود را بسط دهد و از تجربه‌های متنوع‌تری برای انجام فعالیت‌هایش برخوردار باشد. بنابراین در کنار سایر عناصر فضایی تجربه زیستی متفاوتی را در خانه‌های دزفول رقم زده‌اند. تحولات ایجاد شده در کالبد پله، منجر به کاهش تأثیر پله در زندگی ساکنان گردیده است. با در نظر گرفتن وجه فعالیتی پله که قابلیت دسترسی و جابه‌جایی بین طبقات است و در تمامی دوره‌ها نقش فعالیتی خود را کم و بیش ایفا می‌کند، از تأثیر وجوه کالبدی و معنایی پله کاسته می‌شود. تا جایی که با گذر زمان و در دوره‌های متأخرتر، تنها اهمیت وجه معنایی را در شکل‌گیری پله می‌توان دید.

پلکانی تداعی‌گر پیوستگی به معماری قدیم می‌باشد (R6). تمامی این موارد موجبات هویت‌بخشی به مکان و افراد را ایجاد نموده است. به این علت که هویت مکان تشکیل شده از تصویر ذهنی، تولید تجارب، تفکرات، خاطرات و احساسات بی‌واسطه است (Relph, 1976, 56)؛ و هویت افراد تا حد زیادی ناشی از هویت مکان‌ها و اشیاء است. همچنین شناسایی مکان به همان خوبی سازماندهی آنها در ساختارهای ذهنی، نه تنها به افراد امکان می‌دهد که در محیط مؤثرتر عمل کنند، بلکه موجب امنیت احساسی، عاطفی و لذت بردن از محیط نیز می‌گردد. در واقع انسان‌ها در مکان‌هایی که از نظر فیزیکی متمایز و قابل شناخت است، احساس شادی و لذت می‌کنند و احساسات و معانی خود را با آن مکان‌ها ترکیب می‌کنند (پرتویی، ۱۳۹۲، ۱۱۹).

با توجه به بررسی وجه کالبدی پله و اشاره به حضور پله در نمای بیرونی خانه با گذر زمان در خانه‌های متأخرتر (دوره پهلوی)، می‌توان گفت تفاوت ظاهر این خانه‌ها باعث خوانایی در محله و نشانه‌سازی شده است و امکان جهت‌یابی را آسان نموده است (R4). علاوه بر این تعدد این خانه‌ها در بخش‌های جدید، هویت جدیدی را برای این بافت ایجاد نموده است. سایه روشنی که به واسطه حجم پلکانی در کوچه‌ها و فضای داخل خانه ایجاد شده، تصاویر ذهنی مطلوبی را برای افراد می‌سازد و ماندگاری آنان را

نتیجه

مؤلفه معنا: این عامل به دریافت‌های ذهنی انسان از محیط زندگی مربوط است. یافتن وجه معنایی خانه و معانی شکل‌گرفته در ذهن ساکنان بر اساس شیوه‌ی زندگی آنان، فراتر از کالبد و کارکرد مسکن می‌تواند به کشف نحوه‌ی ارتباط فضاها یاری رساند. در این زمینه می‌توان به خوانایی و جهت‌یابی در محله، وجود نشانه، هویت بخشی به مکان، ایجاد تصاویر ذهنی، قابلیت تداعی معانی، قابلیت خاطره ساز بودن مکان اشاره نمود.

آنچه پله را در خانه‌های دزفول مهم جلوه می‌دهد، نقش پررنگ معنایی آن است، که شهرهای دیگر کمتر با آن روبرو هستند. با این وجود پله در خانه‌های دزفول، با انطباق فعالیت‌های انسانی با کالبد معماری از طریق همگرایی سه مؤلفه‌ی «کالبد»، «فعالیت» و «معنا» سامانه‌ای پیوسته و یکپارچه را پیکربندی نموده است. با نگاهی اجمالی به وضعیت خانه‌های امروزی می‌توان فهمید مفاهیم فضایی گرانقدر و ارزش‌ها با توجه به منافع اقتصادی و مدیرستی از این خانه‌ها رخت بر بسته و دچار تغییرات فراوانی شده‌اند. این تغییرات تا جایی پیش رفته که در مورد پله، تغییر در مختصات مکانی و ابزار بیان آن بدون توجه به سازمان فضایی باعث دگرگونی شدیدی در خانه‌های تاریخی دزفول شده است و پله به عنوان یک فضای ارتباطی نقش مؤثر خود را به عنوان مکان از دست داده و به یک شیء و عنصر تزئینی در خانه تبدیل گشته است. در نهایت توجه به مدل مکان کانتر به عنوان ابزاری در تعریف ابعاد یک مکان و تکرار آن در مورد عناصر مختلف خانه، می‌تواند به اهمیت جایگاه این عناصر متناسب با هر اقلیم کمک نماید. اینگونه نیز طراحان معماری با تأمل بیشتری در حذف یک عنصر تصمیم‌گیری می‌کنند.

در این پژوهش برای روشن شدن اهمیت فضای ارتباطی پله در خانه‌های تاریخی دزفول، خوانش فضا در رابطه با سکونت که طیف کامل فعالیت‌های افراد را در زندگی در برمی‌گیرد، صورت گرفت. از آنجایی که بیشتر مکان‌ها در پیوند با رفتار مشخصی شکل می‌گیرد، برای توضیح پیوند میان آدم‌ها و مکان‌ها و تفاوت میان آن‌ها که به تفاوت میان توصیف‌ها و ارزیابی‌های آدمیان از مکان می‌انجامد، مدلی سه بعدی ارائه گردید. سه مؤلفه کالبد، فعالیت و معنا، رابطه میان مؤلفه‌های شکل‌دهنده هر مکان را شرح می‌دهد. به منظور شناخت جایگاه پله در ساختار خانه‌های تاریخی دزفول و نوع گزاره‌های کالبدی، فعالیتی و معنایی که می‌توان بر آنها اطلاق نمود مصاحبه‌هایی برنامه‌ریزی و تدوین گردید تا بتوان از طریق آنها از منظر ساکنین به این موضوع پرداخته شود. یافته‌ها نشان می‌دهد:

مؤلفه کالبد: موجودیتی عینی و زمینه‌هایی فیزیکی را نشان می‌دهد. بررسی کالبدی پله، بیانگر جایگاه خاص پله بعنوان حجمی سیال در خانه‌های تاریخی دزفول می‌باشد، به نحوی که کالبد متفاوتی را برای مسکن این شهر رقم زده و همچنین باعث ایجاد پویایی حجمی و فضایی در مسکن بومی این شهر شده است. غنای بصری، ایجاد تناسبات بصری، تقویت خط آسمان، کیفیت دیدها و چشم‌اندازها و غیره از جمله ویژگی‌های کالبدی فضای ارتباطی پله در این شهر می‌باشد.

مؤلفه فعالیت: مجموعه رفتارهای انسانی را شامل می‌شود، و همچنین بین عملکرد فضا و رفتار آدمیان رابطه‌ای دوسویه برقرار است. در حالت کلی، کارکرد معماری فضای ارتباطی پله با توجه به نقش خدماتی پله گسترده است. قابلیت دسترسی، تسهیل فعالیت کاربران، افزایش نفوذپذیری، سازگاری فعالیتی، محل وقوف و نشستن‌های میان فضایی و غیره تنها بخشی از جنبه‌های فعالیتی این فضا می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. در مسکن شهرهایی نظیر یزد و کاشان، جابه‌جایی بصورت افقی است و خانه شامل تابستان‌نشین و زمستان‌نشین می‌باشد. چنین نام‌گذاری در مسکن دزفول وجود ندارد و جابه‌جایی‌ها نه بصورت فصلی بلکه در یک شبانه‌روز اتفاق می‌افتد.

۲. فضاهای زیستی شامل اتاق‌ها، ایوان و حیاط می‌گردد.

۳. به حجم‌های پلکانی و شکسته پله، در زبان محلی کنیسه گفته می‌شود. ریشه یابی کلمات معمولاً کار آسانی نیست بخصوص موقعی که درباره زبان و لهجه‌ای صحبت می‌شود. که صرفاً شکل گفتاری دارد و مستندات تحول آن در طول تاریخ در دست نیست.

۴. در گویش محلی به بخش بیرون‌زده پله در نمای بیرونی خانه‌های هال‌دم، برج می‌گویند. در اکثر موارد برج خانه توسط شیشه‌های سرتاسری پوشیده شده است.

فهرست منابع

آقالطیفی، آزاده؛ حجت، عیسی (۱۳۹۶)، بررسی تأثیرپذیری مفهوم خانه از تحولات کالبدی آن در دوران معاصر در شهر تهران، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، ۲۳ (۴)، ۴۱-۵۴. DOI: 20.1001.1.22286020.1397.23.4.4.2

استراوس، انسلم؛ آ، کوربین، جولیت (۱۳۸۵)، اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمودی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

الکساندر، کریستوفر (۱۳۹۰)، معماری و راز جاودانگی، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: دایره دانش.

الکساندر، کریستوفر (۱۳۹۳)، الگوهای استاندارد در معماری، ترجمه فرشید حسینی، تهران: دایره دانش.

بنتلی، ای‌ین (۱۳۸۲)، محیط‌های پاسخده، ترجمه مصطفی بهزادفر، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.

بینای مطلق، سعید (۱۳۸۹)، جایگاه صورت در هنر دینی، دوفصلنامه علمی جاویدان خرد، ۷ (۱۶)، ۳۳-۴۷. DOI: 20.1001.1.22518932.1389.07.16.2.4

پرتویی، پروین (۱۳۹۲)، پدیدارشناسی مکان، تهران: فرهنگستان هنر.

حائری مازندرانی، محمدرضا (۱۳۸۸)، خانه، فرهنگ، طبیعت در معماری ایران، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

حبیبی، رعناسادات (۱۳۸۷)، تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان، هنرهای زیبا، شماره ۳۵، ۳۹-۵۰. SID: https://sid.ir/paper/5686/fa

حبیبی، محسن؛ زهره، اهری (۱۳۷۲)، الگوی ساخت مسکن در شهرهای خوزستان. تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.

حیدری، علی‌اکبر؛ بهدادفر، نازگل (۱۳۹۵)، بررسی وجوه مختلف معنای مکان از دید معماران و غیر معماران. باغ نظر، ۱۳ (۴۳)، ۱۱۷-۱۲۸. SID: https://sid.ir/paper/520595/fa

داعی‌پور، زینب (۱۳۹۲)، گذر و خانه در بافت سنتی دزفول، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

ربوبی، مصطفی؛ رحیمیه، فرنگیس (۱۳۵۳)، شناخت شهر و مسکن بومی ایران در شرایط آب و هوایی گرم و نیمه مرطوب- دزفول و شوشتر، انجمن دانشجویان دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران.

راپاپورت، آموس (۱۳۸۴)، معنی محیط ساخته‌شده، ترجمه فرح حبیبی، تهران: انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

سالیانگروس، نیکاس آنجلوس (۱۳۸۷)، یک نظریه معماری، ترجمه زهیر متکی؛ سعید زرین‌مهر، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

سروش، مهرنوش (۱۳۸۳)، باززنده‌سازی عرصه‌های تاریخی شهر- طراحی و احیای محله مسجد جامع دزفول، پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری، پردیس

هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران.

شاهچراغی، آزاده؛ بندرآباد، علیرضا (۱۳۹۹)، محاط در محیط: کاربرد روانشناسی محیطی در معماری و شهرسازی، تهران: انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی.

صدوقی، آزاده؛ معاریان، غلامحسین (۱۳۸۹)، کاربرد روش تحقیق کیفی برای فهم ابعاد عاطفی مکان (نمونه موردی: فضای زیرزمینی شوادان)، نامه معماری و شهرسازی، ۳ (۵)، ۱۸۵. DOI: 119-134.10.30480/AUP.2011.185

علی‌پور، ربابه؛ محمودی، امیر سعید و آقالطیفی، آزاده (۱۳۹۹)، بررسی ارتباط عوامل مؤثر بر سبک زندگی و کالبد خانه معاصر در شهر مشهد، نشریه اندیشه معماری، ۴ (۸)، ۸۴-۶۹. DOI: 10.30479/AT.2020.11077.1253

عینی‌فر، علیرضا؛ علی‌نای مطلق، ایوب (۱۳۹۳)، تبیین مفهوم بیرون و درون در فضاهای مابین مسکن آپارتمانی مطالعه موردی بالکن در سه نمونه از مجموعه های مسکونی تهران، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، ۱۹ (۲)، ۵۵-۶۶. DOI: 10.22059/JFAUP.2014.55391

عینی‌فر، علیرضا؛ آقالطیفی، آزاده (۱۳۹۰)، مفهوم قلمرو در مجموعه‌های مسکونی (مطالعه مقایسه‌ای دو مجموعه مسکونی در سطح و در ارتفاع در تهران، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، ۳ (۴۷)، ۱۷-۲۸. DOI: 20.1001.1.22286020.1390.3.47.2.8

عینی‌فر، علیرضا؛ آقالطیفی، آزاده و حیاتی، زینب (۱۳۹۹)، سیر تحول قلمروهای ثانویه، در درون خانه‌های دزفول، نشریه صفا، ۳۰ (۹۱)، ۲۷-۴۸. DOI: 10.29252/SOFFEH.30.4.27

فراستخواه، مقصود (۱۳۹۵)، روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر «نظریه برپایه» (گراند تئوری GTM)، تهران: آگاه.

فلاحت، محمد صادق (۱۳۸۵)، مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، ۱ (۲۶)، ۵۷-۶۶.

فلامکی، محمدمنصور (۱۳۹۱)، اصل‌ها و خوانش معماری ایران، تهران: نشر فضا.

فون‌مایس، پیر (۱۳۹۱)، نگاهی به مبانی معماری (از فرم تا مکان) همراه با تحلیل و قیاس با مبانی معماری ایران، ترجمه و تعلیق سیون آیوازیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

کاپن، دیوید اسمیت (۱۳۹۲)، مبانی نظری معماری، ترجمه علی یاران، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.

گروتز، یورگ کورت (۱۳۹۰)، زیبایی‌شناسی در معماری، ترجمه جهان‌شاه پاکزاد، عبدالرضا همایون، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

مبینی دهکردی، علی (۱۳۹۰)، معرفی طرح‌ها و مدل‌ها در روش تحقیق آمیخته، فصلنامه راهبرد، ۲۰ (۶۰)، ۲۱۷-۲۳۴. SID: https://sid.ir/paper/89124/fa

مندگاری، کاظم؛ محمدی، محسن (۱۳۹۱)، نقش معنا در تعیین ویژگی‌های کارکرد سازگار با بقایای بناهای تاریخی. نشریه معماری اقلیم گرم و خشک، ۲ (۲)، ۹۹-۱۱۰. DOI: 20.1001.1.26453711.1391.2.2.7.9.110-99

نوربرگ- شولتز، کریستین (۱۳۸۲)، معماری: معنا و مکان، ترجمه ویدا نوروز برازجان، تهران: نشر جان جهان.

Altman, I & Low, S.M. (1992). *Place Attachment*, Plenum Press, New York.

Carmona, M., & Tiesdell, S. (2003). *Public Places-Urban Spaces*, Architectural Press, Elsevier, Oxford

Canter, D. (1977). *The Psychology of Place*, the Architectural Press, London.

Cassidy, T. (2013). *Environmental Psychology: Behaviour and experience in context*. UK: Psychology Press.

cliffs, NJ: prentice- Hall.

Relph, E. (1976). *Place and placelessness*, London: pionnet.

Sime, J. D. (1986). Creating places or designing spaces? *Journal of Environmental Psychology*, 6 (1),49-63. [https://doi.org/10.1016/S0272-4944\(86\)80034-2](https://doi.org/10.1016/S0272-4944(86)80034-2)

Turner, P., & Turner, S. (2006). Place, Sense of Place and Presence. *Presence: Teleoperators & Virtual Environments*, 15(2), 204-217. <https://doi.org/10.1162/pres.2006.15.2.204>

Tuan, Y. F. (1977). *Space and Place: The perspective of experience*. University of Minnesota Press.

Capon, D. S. (1999). *Architectural Theory, Le Corbusier's Legacy: Principles of Twentieth-Century Architectural Theory Arranged by Category* (Vol. 2). Wiley.

Marcus, C. C. (1997). *House as a Mirror of Self: Exploring the Deeper Meaning of Home*. Nicolas-Hays, Inc.

Gifford, R. (2007). *Environmental psychology, Principles And Practice*. Publisher: Colville,WA: Optimal Books.

Hayward, D. G. (1975). *Home as an Environmental and Psychological Concept*, *Landscsps*, 20, pp. 2-9.

Rapoport, A. (1969). *House From and Culture*, Englewood



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی